

گنجینه سوال رایگان
+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

www.Dyavari.com

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴



۱- عین ما فيه مفعولات أكثر:

- (۱) ندعو ربنا في هذه الأيام دعاء خفياً أملين بالاستجابة!
- (۲) اشتهر صديقنا في العلم بين الناس ساعياً بسبب اختراعه الجديد!
- (۳) لا يخرج التلميذ من الصف جالساً إلا بعد أن شاهدت واجباته!
- (۴) لماذا تنام في أوقات مفيدة من النهار غافلاً، و النوم يسرق نجاحك!

۲- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) إن عدداً من البومات تسكن قرب المزرعة فتتهجم على الأفراخ هجوماً كبيراً و تأكلها!
- (۲) تنوع معالم إيران و استقرار الوضع الأمني فيها يشجع السائحين إلى السفر إليها!
- (۳) إن الامتحانات تساعد الطلاب لتعلم دروسهم، فعليهم أن لا يخافوا منها!
- (۴) تستطيع الدلافين أن ترشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان غرق سفينة!

۳- عین الصحيح:

- (۱) عندما كنت أبكي لوداع صديقي كانت دموعي كأنها تحدثه: وقتی برای خداحافظی از دوستم گریه می کردم، گوئی اشکهایم با او حرف می زدند!
- (۲) قد خلق الإنسان حراً لكنه دائماً أسير عادات خلقها نفسه: انسان را آزاد خلق کرده اند ولی او همیشه مجذوب و اسیر عادت هایی است که خود خلق می کند!
- (۳) هذا اللسان الصغير قد يقتل شخصاً طوله متر و ثمانون سنتيمتراً: این زبانی کوچک است، ولی گاهی شخصی با قد یک متر و هشتاد سانتیمتر را می کشد!
- (۴) المرء الذي يرسم أهدافاً عالية لحياته يشجع نفسه للأعمال الكثيرة تشجيعاً: انسانی که هدفهای عالی برای زندگی ترسیم می کند خود را برای کارهای زیاد تشویق می نماید!

۴- عین «تقدماً» يبين نوعية الفعل:

- (۱) إذا كان تقدم الإنسان تقدماً حقيقياً يحصل على الدرجات العالية!
- (۲) لم نشاهد تقدماً في مجال العلوم العديدة إلا تقدم العلماء الدؤوبين!
- (۳) تقدم الطلاب في دروسهم تقدماً كان ثمرة محاولتهم الكثيرة!
- (۴) يتقدم كل الشعوب تقدماً إن يستفيدوا من الفرص الذهبية!



- ۵- «إِنَّمَا أَتَقَى الْمُؤْمِنِينَ هُمْ الَّذِينَ يَتَعَامَلُونَ مَعَ النَّاسِ تَعَامُلًا يُرْضِي اللَّهَ، لِأَنَّ التَّقْوَى لَا تَتَجَلَّى إِلَّا فِي الْأُمُورِ الْجَارِيَةِ وَ لَيْسَتْ أَمْرًا مَكْتُومًا فِي الْقُلُوبِ!»: پرهیزگارترین مؤمنان، عین الصحيح لجواب الترجمة:
- (۱) آنانی هستند که با مردم فقط با خشنود ساختن خدا معامله می کنند، زیرا تقوی در کارهای جاری متجلی می شود و امری پنهان در قلبها نیست!
- (۲) تنها آناند که با مردم به شکلی که خداوند رضایت می دهد رفتار می کنند، زیرا تقوی در امور جاری ظاهر می شود و یک موضوع پنهان در درون قلبها نیست!
- (۳) فقط کسانی هستند که با مردم معامله ای می کنند که خدا را خشنود سازد، زیرا تقوی فقط در امور جاری آشکار می شود و مسأله ای پنهان در دلها نیست!
- (۴) کسانی هستند که تنها به گونه ای که خدا رضایت می دهد با مردم رفتار می کنند، زیرا تقوی فقط در مسائل جاری نمایان می شود و یک مسأله پنهان در درون دلها نیست!

۶- عین الخطأ:

- (۱) أولاد؛ الأمطار لا تُصبح حمضية إلا بتلوث الهواء: فرزندانم؛ بارانها فقط با آلودگی هوا اسیدی می شوند!
- (۲) أولاد؛ الاختلال في الطبيعة يؤدي إلى تخریبها، و هذا خطر: فرزندان؛ اختلال در طبیعت منجر به تخریب آن می شود، و این خطر است!
- (۳) أولاد؛ لا تهددوا نظام الطبيعة بكثرة استخدام الأسمدة الكيماوية: فرزندان؛ نظام طبیعت را با زیاد بکار بردن کودهای شیمیایی تهدید نکنید!
- (۴) أولاد؛ إن تكونوا خيرين تجدوا روابط متداخلة بين الكائنات الحية: فرزندان من؛ اگر آگاه باشید می فهمید که روابط بین موجودات زنده پیچیده است!

۷- عین الصحيح:

- (۱) نَسأل الله أن يعطينا ما يُحِبُّهُ: از خدا می خواهیم که آنچه را دوست داریم به ما بدهد!
- (۲) لا يرى المتقائل المصاعب إلا فرصاً جيدة في الحياة: خوش بین سخته ها را جز فرصتهایی نیکو در زندگی نمی بیند!
- (۳) مَنْ يطلب حياة هادئة يتعاش مع الآخرين تعاشاً: هرکس به دنبال آرامش در زندگی است با دیگران همزیستی می کند!
- (۴) بحث عدد من الباحثين عن حياة الدلافين متعجبين من مساعدتها للإنسان: تعدادی از پژوهشگران درباره زندگی دلفینها تحقیق کردند و از کمک انسان به آنها حیرت زده شدند!



- ۸- «ما أجمل توازن الطبيعة، و أجمل منه هو أن تسعى كُلنا أن نمنع تعدي الظالمين على نظام العالم و ما فيه من أجل منفعتهم!». چه زیباست، عین الصحيح للترجمة:
- (۱) توازن طبیعت، و زیباتر تلاش ماست و اینکه همه ما در برابر ستم منفعت طلبانه ظالمان بر نظم موجود در عالم و هر چه در آن است، بایستیم!
- (۲) تعادل در طبیعت، و از آن زیباتر تلاش همگی ماست تا جلو ستمگری ستمکاران را در نظام عالم و هر چه در آن است برای نفع شخصی خویش، بگیریم!
- (۳) توازن طبیعت، و از آن زیباتر است که ما همگی تلاش کنیم برای منفعت خویش مانع ستمکاری ظالمان در نظام موجود در جهان و آنچه در آن است شویم!
- (۴) تعادل طبیعت، و زیباتر از آن این است که ما همگی تلاش کنیم از دست درازی ستمگران بخاطر سود خودشان بر نظام جهان و آنچه در آن است، جلوگیری کنیم!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۹- عین الصحيح للترجمة:

- «لا داء في الطبيعة إلا و هو مؤلم ولكن له دواء، والدواء هو أننا نسمح لكل موجود أن يقوم بأعمال خلق لها!»:
- (۱) مرضی در طبیعت وجود ندارد جز اینکه دردناک باشد لکن برایش دارویی است، و آن این است که اجازه دهیم موجودات همگی اقدام به کارهایی کنند که برای آن آفریده شده‌اند!
- (۲) هیچ بیماری در طبیعت نیست مگر اینکه دردناک است ولی درمانی دارد، و آن درمان اینست که ما به هر موجودی اجازه می‌دهیم به کارهایی پردازد که برایش خلق شده!
- (۳) در طبیعت بیماری نیست که درد نداشته باشد ولی آن دوايي دارد، و دواي آن این است که به همه موجودات اجازه کارهایی را دهیم که برایش آفریده شده‌اند!
- (۴) هیچ مرضی در طبیعت بدون درد نیست الا اینکه درمانی دارد، و آن درمان اجازه دادن به هر وجودی است که بتواند به کارهایی پردازد که برای او خلق شده!

۱۰- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!
- (۲) فِي إِيرَانَ ثُرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ، بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ!
- (۳) قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادَّةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا!
- (۴) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا!

۱۱- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ.
- (۲) لِسَانُ الْقِطِّ سَلَاحٌ طَبِيعِيٌّ لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- (۳) قَرَّرَ الْمُزَارِعُ الْحِفَاطَ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ السَّمَاحِ لِلْبُومَاتِ بِدُخُولِ مَزْرَعَتِهِ.
- (۴) كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ، وَ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا.



۱۲- عین الصحيح:

- (۱) ثَوَّتِنَا هَذِهِ الْأَشْجَارُ الْخَضِرَةَ بِسُنَّةٍ وَضَعَهَا اللَّهُ فِي الطَّبِيعَةِ، الثَّمَارَ اللَّذِيذَةَ: این درختان سرسبز با قانونی که خدا در طبیعت قرار داده، به ما میوه‌های لذیذ می‌دهد!
- (۲) يَزْدَادُ اسْتِهْلَاكُ الْبَنْزِينَ بِسَبَبِ ذَهَابِ الْعَائِلَاتِ لِقَضَاءِ الْغَطَلَاتِ الْأُسْبُوعِيَّةِ: رفتن خانواده‌ها برای گذراندن تعطیلات آخر هفته سبب افزایش مصرف بنزین می‌شود!
- (۳) تُتَبَّجُ بَعْضُ الْأَضْوَاءِ مِنْ تَحْوِيلِ الطَّاقَةِ الْكِيمَاوِيَّةِ إِلَى الطَّاقَةِ الضَّوْثِيَّةِ: بعضی نورها بر اثر تبدیل انرژی شیمیایی، انرژی نوری تولید می‌کنند!
- (۴) تَسْتَخْدِمُ الدَّلَافِينُ أَمْوَاجاً صَوْتِيَّةً لِلتَّعْرِفِ عَلَى مَحَلِّ الْأَجْسَامِ: دلفین‌ها امواج صوتی را به کار می‌برند تا محل اجسام شناسایی شود!

۱۳- عین الترجمة الصحيحة:

- «كان المزارع يُراقب أمور المزرعة مراقبة ولكن البومات كانت تتغذى على الأفراخ، وهذه سنة الطبيعة!»:
- (۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه‌ی جغدها از جوجه‌ها انجام می‌گرفت، و این قانون طبیعت بود!
 - (۲) مزرعه‌دار امور مزرعه را نگهبانی می‌کرد اما جغدها جوجه‌ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!
 - (۳) مزرعه‌دار از کارهای مزرعه با دقت مراقب می‌کرد ولی جغدها جوجه‌ها را خورده بودند و این قانون طبیعت است!
 - (۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی‌گمان مراقبت می‌کرد ولی جغدها از جوجه‌ها تغذیه می‌کردند، و این سنت طبیعت است!

۱۴- «ما أسرع تلوث الهواء في تخریب بيئتنا إن لم يتحقق التوازن فيها، فهو مهدد للبشرية!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود چه‌قدر آلودگی هوا برای خراب شدن محیط زیست ما سریع، و برای بشریت چه‌قدر تهدیدکننده می‌باشد!
- (۲) آلودگی هوا در خراب کردن محیط زیست ما چه قدر سریع است اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود، و این امر تهدیدکننده‌ی بشریت است!
- (۳) برای خراب شدن محیط زیست ما آلودگی هوا بسیار سریع است و برای بشریت تهدیدکننده است، اگر تعادل در آن محقق نشود!
- (۴) آلودگی هوا برای خراب کردن محیط زیست ما سریع نیست اگر تعادل در آن محقق شود، وگرنه بشریت را تهدید می‌کند!

۱۵- عین المفعول المطلق يختلف عن الباقي:

- (۱) عَذَّبَ اللَّهُ الْكُفَّارَ فِي الدُّنْيَا تَعْذِيْبًا لَا يَنْسَوْنَ نَتِيجَةَ سُوءِ عَمَلِهِمْ!
- (۲) رَتَّلَ الْقَارِئُ الْقُرْآنَ أَمَامَ النَّاسِ تَرْتِيْلًا اسْتَمَعَهُ الْحَضَارُ كُلُّهُمْ بِدَقَّةٍ!
- (۳) قَدَّمَ الشَّعْبُ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ فِي الْحَرْبِ تَقْدِيمًا اسْتَطَاعَ اسْتِقَامَةُ أَمَامِ الْأَعْدَاءِ!
- (۴) عَلَى الطَّلَابِ أَنْ يَجْتَهِدُوا اجْتِهَادًا وَعَلَيْهِمْ أَنْ يَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفُرْصِ فِي حَيَاتِهِمْ!



۱۶- عین ما فيه تأكيد للفعل:

- (۱) يُشاهد العجب بين الناس مشاهدة كثيرة،
- (۲) و هذا حينما يعمل العبد المسلم عملاً يعجبه،
- (۳) أو يقوم بعمل سيئ و يريه إراءة جميلة،
- (۴) و الأفضل أن يؤمن بربه و يفتخر افتخاراً بذلك!

۱۷- عین الصحيح:

- (۱) قد يذكر الإنسان ذكرياته القديمة و يفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می آورد و با آنها خوشحال می شود!
- (۲) لا يتردد الوالد في شراء ما تحتاج إليه أسرته: پدر در خریدن آنچه که خانواده اش به آن نیاز داشت، تردید نکرده است!
- (۳) هؤلاء كانوا يعاملون الآخرين معاملة حسنة دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می کنند!
- (۴) ليت هذه التلميذة تحب الدراسة في تلك المدرسة: کاش این دانش آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

۱۸- «تبادل المفردات بين اللغات يؤثر عليها تأثيراً يجعلها غنيّة في الأسلوب و البيان!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) عوض کردن واژگان بین زبان ها بسیار اثرگذار است به گونه ای که آن ها را در اسلوب و بیان بی نیاز می سازد!
- (۲) در میان زبان ها عوض کردن واژه ها چنان تأثیری بر آن ها می گذارد که آن ها را در اسلوب و بیان غنی می سازد!
- (۳) در میان زبان ها جابه جایی کلمات است که بر آن ها اثر می کند و آن ها را در اسلوب و بیان پُرثمر می گرداند!
- (۴) تبادل کلمات بین زبان ها به گونه ای بر آن ها اثر می گذارد که آن ها را در اسلوب و بیان غنی می گرداند!

۱۹- «لا فرخ يتعلم الطيران إلا أن يقذف نفسه من الأعلى إلى الأسفل!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) فقط جوجه ای پرواز کردن را یاد می گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!
- (۲) هیچ جوجه ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی آموزد!
- (۳) هر جوجه ای فقط زمانی پرواز را می آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!
- (۴) هیچ جوجه ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر این که خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

۲۰- عین ما فيه تأكيد الفعل:

- (۱) خَيْرُنَا رَبُّنَا باختيار الأعمال من الخير و الشر!
- (۲) قَبْلَ الْآبِ الْعَادِلِ أولاده و هم يُقبلون إليه!
- (۳) يقضم الجرادُ الأوراق في فهم دائماً و سريعاً!
- (۴) لا تُريد أن نعصي الله في أعمالنا عصياناً!

۲۱- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«قد بلغني أن رجلاً من فتية أهل البصرة دعاك إلى مأدبة فأسرعت إليها!»:

- (۱) أسرعت: فعل ماضٍ - للمخاطبة - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدي - مبني / فعلٌ و مع فاعله: جملة فعلية
- (۲) فتية: اسم - مفرد مؤنث - معرفة - معرب / مجرور به حرف الجر؛ من فتية، جار و مجرور و خبر لحرف «أن» المشبّه بالفعل
- (۳) مأدبة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مأخوذ أو مشتق من فعل «أدب») - نكرة - معرب / مجرور به حرف الجر؛ إلى مأدبة: جار و مجرور
- (۴) بلغ: فعل ماضٍ - للغائب - مجرد ثلاثي - معلوم - مبني / فعل و مع فاعله جملة فعلية؛ و النون: حرف وقاية



۲۲- عین المفعول المطلق:

- (۱) یا ربَّنَا؛ شُکراً علی أنَّک ألحقْتَنی بالصَّالحین!
- (۲) هؤلاء التَّلامیذ أكثر من الآخرين شُکراً لمعلِّمهم!
- (۳) إنَّ علینا شُکراً للعلماء الذین یقفون حیاتهم لتعلیمنا!
- (۴) عندما مسَّ الضَّرَّ و العسر هذا المؤمن لم یعمل شیئاً إلا شُکراً!

۲۳- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف:

- (۱) فی یومٍ من الايام شاهدَ کسری فلاحاً عجوزاً یغرِسُ فسیلةَ جوز!
- (۲) بِمَ یطیرُ السَّنجابُ الطائرُ حین یقفزُ من شجرةٍ إل شجرةٍ!
- (۳) أخذَ ینادی أصحابه و لكنَّهم ظنُّوا أنَّه یکذبُ من جدید!
- (۴) سَتُشاهدُ مشاكلَ جدیدةً فی البیئة مُشاهدةً مؤلِّمةً!

۲۴- «ماهما بعد کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه در معرض خورده شدن و تلف گشتن قرار می گیرد.» عین الصحيح:

- (۱) بعد شهر شاهد المزارع أنَّ الخضراوات بالمزرعة تتعرض للأكل و التلف!
- (۲) بعد أشهر رأى الفلاح أنَّ خضراوات المزرعة تتعرض للأكل و الإتلاف!
- (۳) بعد کم شهر شاهد الفلاح أنَّ الخضراوات و هي فی المزرعة قد أكلت و تلفت!
- (۴) بعد بضعة أشهر رأى المزارع فی داخل المزرعة أنَّ الخضراوات قد أكلت و تلفت!

۲۵- عین الصحيح:

- (۱) عندما كنتُ أبکی لوداع صديقي كانت دموعي كأنها تُحدِّثه: وقتی برای خداحافظی از دوستم گریه می کردم، گویی اشک هایم با او حرف می زدند!
- (۲) قد خلق الإنسانُ حرّاً لكنَّه دائماً أسیر عاداتٍ خلقها نفسه: انسان را آزاد خلق کرده اند ولی او همیشه مجذوب و اسیر عادت های است که خود خلق می کند!
- (۳) هذا اللسانُ الصغير قد یقتل شخصاً طوله مترٌ و ثمانون ستمتراً: این زبانی کوچک است، ولی گاهی شخصی با قد یک متر و هشتاد سانتیمتر را می کشد!
- (۴) المرء الذي یرسم أهدافاً عالیة لحياته یُشجِّع نفسه للأعمال الكثيرة تشجیعاً: انسانی که هدف های عالی برای زندگی ترسیم می کند خود را برای کارهای زیاد تشویق می نماید!

۲۶- «علینا أن نتعلَّم أنَّ نشاطاتنا الیومیَّة لا تكون بشكل یؤدِّی إلى الاختلال فی توازن الطَّبیعة!» عین الصحيح للترجمة:

- (۱) بر ماست که بیاموزیم انرژی های روزانه ما به شکلی نباشد که تعادل طبیعت را مختل کند!
- (۲) باید یاد بگیریم که نشاط و کارهایمان در روز به شکلی نباشد که به اختلال در نظام طبیعت بینجامد!
- (۳) ما باید یاد بگیریم که فعالیت های روزانه مان به گونه ای نباشد که منجر به اختلال در تعادل طبیعت گردد!
- (۴) یاد دادن این امر بر ما واجب است که در روز انرژی مان آنگونه نباشد که در توازن طبیعت اختلال ایجاد کند!



۲۷- عین الخطأ عن توضيح المفردات التالية:

- (۱) الخِدَاع: ما يُخالف الصِّدْق!
(۲) الصَّمَت: أقوى الكلام أمام الجاهل!
(۳) البُكْمَاء: من لا تُقدر أن تسمع الأصوات!
(۴) العِلْم: خير الدَّواء لداء أصحاب الخرافة!

۲۸- عین الصحيح:

- (۱) إن رأيت أن كلَّ أصدقائك يتحرَّكون في جهة تُخالف طريقك: اگر دیدی که همهٔ دوستانت در جهتی که با راه تو مخالف است حرکت می‌کنند،
(۲) و هو طريق إنك اخترته بعد تفكّرٍ و دقّةٍ و تُؤمن به إيماناً: حال آنکه راهی که تو با فکر و دقّت انتخاب کرده‌ای و بشدّت به آن ایمان داری،
(۳) فلا تتردّد فيه أبداً و إن كنت وحيداً، و استمرّر فيه بجدّاً: پس هرگز در آن اندیشه، تردید به خود راه مده، حتی اگر تنها بودی، و با جدّیت آنرا ادامه بده،
(۴) فقد تكون الوحدة خيراً من العيشة لإرضاء الآخرين: قطعاً تنهایی برای تو بهتر از زندگی کردن برای کسب رضایت دیگران است!

۲۹- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) يتبع الحيوان المفترس هذه الفريسة و يتعدّ عن العشّ إبتعاداً كثيراً.
(۲) حاول الرجل الكثير المعاصي أن يصلح نفسه، فلم يستطع في البداية.
(۳) التماسيح عندما يأكل فريسة أكبر من فمّه، تفرّز عيونه سائلاً كأنه دُموع.
(۴) إن إيران من الدول الجميلة في العالم و المشهورة بالكثير من المناطق الخلابة.

۳۰- عین الترجمة الصحيحة:

- «نستهلك الأسمدة الكيماوية بكثرة و نحن نعلم أن استخدامها الكثير يؤدي إلى الاختلال في نظام الطبيعة!»:
(۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم حال آن‌که می‌فهمیم که کاربرد زیادشان اختلالی در نظام طبیعت به وجود می‌آورد!
(۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می‌کنیم در حالی که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می‌شود!
(۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می‌کنیم با این‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را به وجود می‌آورد!
(۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم با وجود این‌که فهمیده‌ایم که زیاد به کار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می‌شود!



۳۱- «بعضُ الطَّيُور عندما تَشعر بالخطر حَوْلها تَلجأ إلى الحِيل التي تُنقذ حياتها من الموت» عَيِّن الترجمة الصحيحة:

- (۱) عده‌ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره‌ای می‌اندیشند که زندگی‌شان را از مرگ نجات دهد.
- (۲) زمانی که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد.
- (۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره‌اندیشی می‌کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند.
- (۴) برخی پرندگان هنگامی که در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره‌اندیشی‌هایی که زندگی آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد، متوسل می‌شوند.

۳۲- «إن يبخل أحدٌ في تعليم علمه إليك فلا يحزنك حزناً، لأنَّه يضرُّ نفسه ضرراً أشدَّ من ضررك!» عَيِّن الترجمة الصحيحة:

- (۱) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل ورزید پس نباید که ناراحت کنی، زیرا مسلماً زیانی که به خودش می‌زند از زیان تو بیش‌تر است!
- (۲) کسی اگر در آموختن علمش به تو بخیل شد پس نباید غمگین شوی، زیرا ضرری را که به خود می‌زند قطعاً بیش‌تر از تو است!
- (۳) کسی چنان‌چه در آموختن علمش به تو بخیل باشد اصلاً نباید غمگین بشوی، زیرا مسلماً ضرری بیش‌تر از ضرر تو به خود می‌زند!
- (۴) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل بورزد قطعاً نباید تو را ناراحت کنی، زیرا او ضرری بیش‌تر از ضرر تو به خودش می‌زند!

۳۳- «لا فرقَ بينَ القطِّ الأسود و القطِّ الأبيض، القطُّ يجب أن يقدرَ أن يصيدَ الفارَّ صيداً ليشبعَ بطنه!» عَيِّن الترجمة الصحيحة:

- (۱) هیچ فرقی بین گربه‌ی سیاه و گربه‌ی سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۲) فرقی بین گربه‌ی سفید و گربه‌ی سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!
- (۳) اصلاً فرقی بین گربه‌ای که سیاه باشد و گربه‌ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد، موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

۳۴- «ليس هناك عَظْمٌ في اللِّسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعةً، فلنراقب كلامنا!» عَيِّن الترجمة الصحيحة:

- (۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
- (۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- (۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- (۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!



۳۵- «النفایات الصناعية تُهدّد بلادنا بتلوّث البيئة و تُضیع التّوازن في طبيعتها، فما أظلم الإنسان بنفسه!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) پسماندهای صنایع کشورمان را به آلوده شدن محیط زیستش تهدید کرده توازن را در طبیعت از بین می‌برد، پس انسان بسیار ظالم بر خود است!
- (۲) زباله‌های صنعتی کشور ما را به آلودگی محیط زیست تهدید می‌کند و توازن را در طبیعت آن از بین می‌برد، پس چه ظالم است انسان به خودش!
- (۳) زباله‌های ناشی از صنعت محیط زیست ما را در کشور تهدید به آلودگی می‌کند و توازن موجود در طبیعت را از بین خواهد برد، پس انسان بسیار ظلم کرده است!
- (۴) پسماندهای مربوط به صنعت محیط زیست کشورمان را تهدید به آلوده کردن می‌کند و توازن آن را در طبیعتش از بین خواهد برد، پس انسان چه قدر ظلم می‌کند!

۳۶- «لعلّ مرحلة من مراحل البخل هي أن تغدّ ما تُنفقه خسارةً و لا تُرضى به رضایةً في نفسک!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود چیزی که اتفاق می‌شود و در درونت به آن راضی نشوی!
- (۲) شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آن چه اتفاق شود خسارت شمرده شود و در باطن به آن کاملاً راضی نباشی!
- (۳) شاید مرحله‌ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انفاقش کرده‌ای و در باطن به آن رضایت نداده‌ای!
- (۴) شاید مرحله‌ای از مراحل بخل آن باشد که آن چه را اتفاق می‌کشد خسارت به شمار آوری و در درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

۳۷- عین ما فيه تأكيدٌ للفعل:

- (۱) لا غاية هناك إلا أن نحصل عليها حصولاً كاملاً بالشّوق و الرغبة!
- (۲) يجب أن نعمل واجبنا بالرّغبة للوصول إلى الهدف عمل الدؤوبين!
- (۳) أرغب في أقوى الوسائل التي أوصلتني إلى النجاح رغبة كثيرة!
- (۴) الرغبة في العمل تحتاج إلى نفس قويّة احتياجاً فعليک بها!

۳۸- «كان طالبٌ مؤدّبٌ في الصّف، يستمع الطّالب قبل أن يُجيب عن الأسئلة استماعاً!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) آن دانش‌آموز مؤدّبی که در کلاس است، قبل از پاسخ دادن به سوالات، به دقت گوش می‌دهد!
- (۲) آن دانش‌آموز مؤدّب که در کلاس حضور دارد، قبل از جواب دادن به سؤال‌ها به خوبی گوش می‌دهد!
- (۳) دانش‌آموز مؤدّبی در کلاس بود، این دانش‌آموز قبل از آن که به سوالات جواب دهد حتماً گوش می‌داد!
- (۴) دانش‌آموز مؤدّب در کلاس حضور داشت، این دانش‌آموز قبل از این که به سؤال‌ها پاسخ دهد گوش می‌داد!



«بانک سوال مؤسسه یاوران دانش»

متن زیر را بخوانید و به ۹ سوال بعدی پاسخ دهید.

في إحدى المَحَطَّات كان «غاندي» يركض * مُسرِعاً مع سائر الركاب نحو القطار حتَّى يلحق به. بدأ القطار بالتحرك، ممَّا سبَّب أن يجري غاندي مُسرِعاً إلى أن قَرُب من اللِّحاق به، فقفز قفزةً تمكَّن فيها من الصُّعود إلى القطار! عندئذٍ ابتسم غاندي لأنَّه رأى أنَّ تلك القفزة سبَّبت سقوط أحد حِذاءيه ** خارج القطار دون أن يشعر به. فلم يتأمَّل كثيراً و خلع حذاءه الثاني و رماه بسرعة ليستقرَّ قريباً من الأوَّل! فتعجَّب الركاب من فعله هذا، و سألوه عن سبب عمله، فقال المهاتما غاندي: لَن أستطيع العودة لإحضار ما سقط مِنِّي، كما لا يُمكن لي أن أستفيد من الثاني إذا ما بقي معي، فرميته فربَّما مَن يجدهما فينتفع بهما معاً!

* يركض: يمشي بسرعة
** حذاء: نعل، ما يلبس الإنسان في رجله

۳۹- متى قام غاندي بالقفز نحو القطار؟ عيِّن الصَّحيح:

- (۱) حين وصل إليه بعد ساعة!
- (۲) عندما اقترب منه!
- (۳) حينما بدأ يجري مُسرِعاً نحوه!
- (۴) قبل أن يتحرَّك القطار!

۴۰- متى و إلى أين رمى حذاءه الثاني؟ عيِّن الصَّحيح:

- (۱) رماه إلى خارج القطار لمَّا قفز نحوه!
- (۲) بعد أن فكَّر كثيراً، رماه قريباً من الأوَّل!
- (۳) بمجرد أن استقرَّ، رماه إلى خارج القطار!
- (۴) بمجرد أن بدأ القطار بالتحرك رماه نحو الحذاء الأوَّل!

۴۱- عيِّن الخطأ:

- (۱) إنَّ غاندي ما كان يركض قبل الوصول إلى محطة القطار!
- (۲) لم يصل في الموعد المقرَّر فلم يقدر أن يركب كالآخرين!
- (۳) لم يستطع غاندي أن يركب القطار إلا بعد أن قفز فيه!
- (۴) رمى المهاتما حذاءيه بعد أن استقرَّ في القطار!

۴۲- صفِّ لنا «غاندي» كما جاء في النص. عيِّن الصَّحيح:

- (۱) لم يكن شيخاً!
- (۲) كان وحيداً في قضيَّة التأخير!
- (۳) كان يسافر مع رفقاءه فكانوا يعرفونه!
- (۴) بعد دقائق من وصوله إلى المحطة رأى أنَّ القطار قد تحرَّك!



۴۳- عین الصّحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفي:

«ابتسم»:

- (۱) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب (= للغائب) - متعدّد - معلوم / فاعله «غاندي» و مرفوع
- (۲) فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب افتعال) / فعل و فاعله «غاندي» و الجملة فعلية
- (۳) مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان)، و حروفه الأصلية «ت س م» - لازم / فعل و فاعله «غاندي»
- (۴) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (له حرف زائد واحد) - معلوم / فاعله «غاندي» و الجملة فعلية

۴۴- عین الصّحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفي:

«تعجّب»:

- (۱) ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم / فعل و فاعله «الركّاب»
- (۲) للمؤنث الغائب - حروفه الأصلية «ع ج ب» و له حرفان زائدان / فعل و فاعله «الركاب»
- (۳) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - لازم - معلوم / فاعله «الركاب» و الجملة فعلية
- (۴) مزيد ثلاثي (حروفه الزائدة: ت، ج) - متعدّد - معلوم / فاعله «الركاب» و مرفوع، و الجملة فعلية

۴۵- عین الصّحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفي:

«قفزة»:

- (۱) اسم - نكرة - مبني / مفعول مطلق نوعي لفعل «قفز» و منصوب
- (۲) مفرد مؤنث - مصدر (فعله «قفز» مجرد ثلاثي) - مبني / مفعول مطلق
- (۳) مفرد مؤنث - مصدر (من فعل مجرد ثلاثي) - نكرة / مفعول مطلق للتأكيد
- (۴) اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب / مفعول مطلق لبيان النوع و منصوب

۴۶- عین الخطأ فی التشکیل:

«عندئذ ابتسم غانديّ لأنه رأى أنّ تلك القفزة سبّبت سقوط أحد حذاءيه!»:

- (۱) اِبْتَسَمَ - رأى - القفزة
- (۲) رأى - سبّبت - سقوط
- (۳) سقوط - أحد - حذاءيه
- (۴) عندئذٍ - ابتسم - سقوط

۴۷- عین الخطأ فی التشکیل:

«لم يتأمل كثيراً و خلع حذاءه الثاني و أنقاه بسرعة ليستقرّ قريباً من الأول!»:

- (۱) خَلَعَ - حذاء - الثّاني
- (۲) يَتَأَمَّلُ - كثيراً - خَلَعَ
- (۳) يَسْتَقِرُّ - قريباً - الأوّل
- (۴) الثّاني - ألْقَاهُ - بسُرعة



۴۸- «إن تحقق التوازن في الطبيعة فسُشاهد الكائنات الحية الاستقرار فيها!» عَيِّن الترجمة الصحيحة:

- (۱) اگر توازن در طبیعت محقق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- (۲) چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد موجودات زنده آرامش در آن می‌بینند!
- (۳) اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده، دیده خواهد شد!
- (۴) چنانچه توازن در طبیعت تحقق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!

۴۹- عَيِّن الخطأ:

- (۱) الدِّيناميت: مادةٌ صَعِبَت أعمال الإنسان في المجالات المختلفة!
- (۲) الدَّوُّوب: الذي يسعى في إنجاز عمله و لا يشعر بالتعب في حياته!
- (۳) تلوث الهواء: هو من مهدّدات نظام الطبيعة التي تؤدّي إلى الاختلال!
- (۴) الأسمدة: موادّ كيميائية أو طبيعية لتقوية التراب الضعيف و نموّ النباتات!

۵۰- عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (۱) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابور في خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ في العالم!
- (۲) تُمنَح هذه الجائزة في كُلِّ سَنَةٍ إلى مَنْ يُفيد البشرية!
- (۳) بدأ الفلاحُ يُفكرُ في سَبَبِ ذلك و يُراقِبُ المزرعة!
- (۴) سَمِعَ الدُّلّفينِ يَفوقُ سَمْعَ الإنسانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ!

۵۱- عَيِّن ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) احترم الطفل والديه لأنّه واجب عليه حقّاً!
- (۲) نظرت المعلمة إلى واجبات تلميذاتها متأثّلة!
- (۳) أكل الضيوف كلّ الطّعام ثمّ شربوا الشّاي أيضاً!
- (۴) كان العلماء يتحمّلون المشاكل في حياتهم تحمّلاً كثيراً!

۵۲- عَيِّن الترجمة الصحيحة:

«إنّ فيتامين «د» هو الفيتامين الوحيد الذي تشكّله الأشعة فوق البنفسجية في عظامنا و يَشُدُّ جسمنا شدّاً!:

- (۱) ویتامین «د» تنها ویتامینی است که اشعه‌ی ماوراء بنفش آنرا در استخوان‌های ما تشکیل می‌دهد و بدن ما را سخت محکم می‌کند!
- (۲) ویتامین «د» یک ویتامین است که اشعه‌ی فرا بنفش آنرا در استخوان‌هایمان به وجود می‌آورد و جسم ما را به شدت مقاوم می‌کند!
- (۳) یگانه ویتامینی که اشعه‌ی ماوراء بنفش آنرا در استخوان ما شکل می‌دهد، ویتامین «د» است، و بدن ما را مستحکم می‌کند!
- (۴) ویتامین «د» تنها ویتامینی است که اشعه‌ی مادون بنفش آنرا برای محکم شدن استخوان‌ها و جسم ما تولید می‌کند!

۵۳- عَيِّن ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) أعطى الملك الفلاح إعطاءً يُعجبه!
- (۲) يُصدّق قولُ الصّادق دائماً تصديقاً جميلاً!
- (۳) تحضن الأمُّ طفلتها في حضنها محبّةً لها!
- (۴) غرس الفلاحُ فسيلة جوز غرساً لا يأمل أكله!



۵۴- عین الصّحیح:

- (۱) إن تجلسوا في الصّف هادئين،: اگر آرام در کلاس بنشینید،
- (۲) و تستمعوا إلى كلامي استماعاً،: و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- (۳) سأقرأ لكم بعض الآيات،: بعضی آیات را برایتان می‌خوانم،
- (۴) لا تأخذون منها إلاّ العبرة المؤثرة!،: که از آنها عبرت‌های تأثیرگذار می‌گیرید!

۵۵- «هذان النوعان من السمك كلٌ منهما يعيش عيشةً تُعجبنا!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) این دو نوع ماهی، هریک از آنها به گونه‌ای زندگی می‌کند که ما را متعجب می‌کند!
- (۲) این دو نوع از ماهیان، با یکدیگر طوری زندگی می‌کنند که ما را به شگفتی وا می‌دارد!
- (۳) این‌ها، دو نوع از ماهیان هستند که هریک از آنها زندگی‌ای می‌کند که تعجب ما را برمی‌انگیزد!
- (۴) اینان، دو نوع ماهی هستند که زندگی هریک از آن دو به گونه‌ایست که ما را به تحسین وا می‌دارد!

۵۶- عین الترجمة الصحيحة: «أيها المواطنون ؛ اهتمّوا بنظافة بيئتكم اهتماماً بالغاً حتّى تقلّ مهدّداتنا!»: ای هموطنان ؛

- (۱) بیش‌تر به نظافت محیط زیست خود اهتمام ورزید تا این‌که تهدیداتش کم شود!
- (۲) به نظافت محیط زیست خود بسیار توجه کنید تا تهدیدکنندگان آن کم شود!
- (۳) در تمیز کردن محیط زیست خویش بیش‌تر سعی کنید تا تهدیدات آن اندک شوند!
- (۴) برای تمیزی محیط زیست خویش سعی بسیار کنید تا تهدیدکننده‌های آن اندک شوند!